

## Content and Structural Criticism of Imam Hassan Mojtabi's (PBUH) Divorce Narrations

Asghar Tahmasebi Boldaji <sup>a\*</sup>

<sup>a</sup> Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, Shahrekord University,  
Shahrekord, Iran

### KEYWORDS

Imam Hasan (PBUH),  
Divorce narrations,  
polygamy orientalist

Received: 08 January 2025;  
Accepted: 19 February 2025

Article type: Research Paper

DOI: 10.22034/thr.2025.2049825.1076

### ABSTRACT

One of the most important doubts raised about Imam Hassan's life is the attribution of being a divorcee; meaning that he had many marriages and divorces, which earned him the title of divorcee. In these doubts, cited from divorce narrations, Imam Hassan's personality has been introduced as pleasure-seeking and preoccupied with women. Using a descriptive-analytical method, this study has criticized and rejected divorce narrations from two aspects: first, in terms of content and criticism of the text of the narrations; these narrations are in conflict with the infallibility of Imam Hassan in the Quran and Sunnah. The verses of the Quran and the narrations from the Holy Prophet testify to the infallibility of Imam Hassan and his freedom from any kind of error and sin. In addition, what emerges from divorce narrations in Sunni and Shiite sources is that Imam Ali forbade people from marrying their daughters to Imam Hassan, while this issue seriously conflicts with the life and Sunnah of Imam Ali (PBUH) regarding Imam Hassan. Second, in terms of structure, these narrations face serious criticism: the background of the divorce narrations during the time of Mansur Dawaniqi, who had a special enmity with the Bani al-Hasan, the serious discrepancy in historical accounts in specifying the number of Imam Hassan's wives and the discrepancy between the multiple marriages and the number of Imam Hassan's children are among the most important reasons for the structural criticism and rejection of these narrations. The result is that the divorced narrations are not acceptable due to serious conflict with definitive principles, the character of Imam Hasan (A) and his infallible behavior are free from these matters.

\* Corresponding author.

E-mail address: tahmasebiasghar@yahoo.com

©Author





## نقد محتوایی و ساختاری روایات مطلق بودن امام حسن مجتبی (ع) با نظر داشت مقوله عصمت

اصغر طهماسبی بلداجی<sup>الف</sup>\*

الف استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران، tahmasebiasghar@yahoo.com

چکیده	واژگان کلیدی
<p>یکی از مهم‌ترین شبهاتی که درباره سیره امام حسن (ع) مطرح می‌شود و با مقوله عصمت زاویه دارد، انتساب مطلق بودن به ایشان است؛ به این معنا که ایشان ازدواج‌ها و طلاق‌های متعددی داشته که لقب مطلق گرفته است. در این شبهات با استناد به روایات مطلق بودن امام (ع)، شخصیت ایشان را لذت طلب و مشغول به زنان معرفی کرده‌اند. این پژوهش - که بدون پیشینه‌ای اخص است - با روش توصیفی - تحلیلی، از دو بُعد روایات مطلق را نقد و رد نموده است: ۱- از نظر محتوایی و نقد متنی، این روایات معارض با عصمت امام حسن (ع) در قرآن و سنت قطعی است؛ آیات قرآن و روایات پیامبر اعظم (ص)، عصمت امام حسن (ع) و تنزیه ایشان از هرگونه خطا، گناه و امور مکروه را گواهی می‌دهند؛ علاوه بر این، آنچه از روایات مطلق در منابع سنی و شیعه برمی‌آید این است که امام علی (ع) مردم را از تزویج دختران به امام حسن (ع) نهی می‌نماید در صورتی که این مسئله تعارض جدی با سیره و سنت امام علی (ع) در رابطه با عصمت امام حسن (ع) دارد. ۲- از لحاظ ساختاری، این روایات با نقد جدی مواجه هستند: پیشینه وضع روایات مطلق در زمان منصور دوانیقی که با بنی‌الحسن دشمنی خاصی داشت؛ اختلاف جدی در نقل‌های تاریخی در مشخص کردن تعداد همسران امام حسن (ع) و عدم تطابق ازدواج‌های متعدد با تعداد فرزندان ایشان (ع)، از مهم‌ترین دلایل نقد و رد ساختاری این روایات هستند. نتیجه آنکه، روایات مطلق به علت تعارض جدی با اصول قطعی قابل‌پذیرش نبوده و شخصیت امام حسن (ع) و سیره عصمت‌محور ایشان، منزه از این امور است.</p>	<p>امام حسن (ع)، روایات مطلق تعدد زوجات تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱ مقاله علمی پژوهشی</p>

### ۱. مقدمه

اهل بیت (ع) کسانی بودند که جان، مال و زندگی خود را وقف بندگی خداوند کردند و با تمام هستی، با توجه به شرایط خود به تعالی دین و حفاظت آن اقدام نمودند. عصمت اهل بیت (ع)، مستند به کتاب خدا و سنت رسول خدا (ص) است که با ادله قطعی جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد. با وجود این، دشمنان اهل بیت (ع) برای رسیدن به منافع دنیوی خود، از هر طریقی برای از میان برداشتن آنان اقدام می‌نمودند تا بتوانند به راحتی به اهداف خود برسند. بر همین اساس، برخی از ائمه معصومین (ع) را به شهادت رساندند؛ برخی را به اسارت و برخی را تبعید نمودند. علاوه بر این، به جهت مقام و منزلت والای اهل بیت (ع) و اهتمام مردم به آنان، دشمنان ایشان فقط به راهکار نظامی اکتفا ننمودند و برای تخریب شخصیت اهل بیت (ع) و منحرف کردن مردم نسبت به ایشان، به جعل احادیث و تحریف سیره

\* نویسنده مسئول

اینان و انتساب افتراءات به اهل بیت (ع) اقدام نمودند (نک: کلینی، ۱۳۶۲ ش: ج ۱، ص ۶۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق: ج ۱۱، ص ۴۶-۴۴).

تروهای شخصی و شخصیتی و زاویه‌دار با عصمت، در رابطه با امام حسن (ع) نیز با قدرت ادامه داشت و زمینه‌های متعددی از جمله قضیه صلح امام با معاویه در دوران اموی‌ها، جریان قیام بنی العباس در زمان عباسیان و ... سبب بروز و ظهور آن‌ها شده بود. از جمله گزاره‌های مرتبط با سیره امام حسن (ع) که منافی با مقوله عصمت تلقی می‌شود، اخباری مبتنی بر مطلق بودن ایشان است که نگاشته حاضر درصدد است تا با استفاده از روش متن‌پژوهی تحلیلی، به بررسی نقد‌المتنی آن بپردازد تا میزان صحت و وسقم محتوای آن آشکار گردد.

## ۲. پیشینه پژوهش

درباره نقد و بررسی روایات مطلق، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. برخی از پژوهش‌ها به بررسی این روایات پرداخته و در توجیه آن‌ها برآمده‌اند و این روایات را منافی عصمت امام حسن (ع) نمی‌دانند (محمد ناصر اعداری، حسن محمد الدربنری، ۲۰۱۸ م: ص ۱۰۷۶). در صورتی که این روایات با مقام اهل بیت عصمت و طهارت سازگار نیستند و غیرقابل توجیه‌اند. برخی دیگر از پژوهشگران بیشتر از جنبه روایی و سندی این روایات را نقد نموده‌اند و بیشتر به جنبه تاریخی این روایات و منشأ صدور آن‌ها پرداخته‌اند (مرادی نسب، ۱۴۰۰ ش: ص ۱۰۰-۶۷؛ مرتضوی، ۱۳۸۶ ش: ص ۷۵-۸۶). همچنان که برخی دیگر از پژوهشگران به تطورشناسی احادیث مطلق پرداخته و این نتیجه را استنباط نموده‌اند که این روایات جعلی بوده و از منابع اهل سنت که در زمان بنی عباس جعل شده‌اند، وارد منابع شیعه شده‌اند (مرادی نسب، ۱۳۷۶ ش: ص ۱۴۵-۱۷۲). برخی دیگر از پژوهش‌ها در همایش‌های بین‌المللی امام حسن مجتبی (ع) در بابل و نجف نیز به صورت مروری و کلی به نقد این روایات پرداخته و شبهات مستشرقان در رابطه با امام حسن (ع) را به صورت کلی پاسخ گفته‌اند (احمد الصفار، بی‌تا: ج ۲، ص ۳۸۷؛ رحاب نذیر الصفار، میسون یونس محمود، بی‌تا: ج ۲، ص ۴۵۷؛ عدنان خلف سرهید، بی‌تا: ج ۳، ص ۱۷۹؛ موفق مجید لیلو، بی‌تا: ج ۳، ص ۲۲۳).

این پژوهش ضمن توجه به پژوهش‌های پیشین، متمایز و با رویکرد جدید نگاشته شده است؛ اولین و مهم‌ترین رکن در بررسی روایات و اطمینان از صحت آن توجه به متن روایات است؛ چه بسیار احادیثی که از لحاظ سندی صحیح بوده اما از لحاظ متنی معارض با اصول قطعی آموزه‌های دینی است. بر همین اساس، این پژوهش ابتدا محتوای روایات مزبور را - با هر مضمونی - با ادله قطعی از قرآن و سنت مورد نقد و بررسی قرار داده و با در نظر گرفتن اصل قطعی عصمت امام حسن، این روایات را مورد واکاوی قرار داده است. دوم اینکه روایات مطلق - که منتسب به امام علی (ع) است - با توجه به سیره قطعی امام در رابطه با امام حسن (ع) مورد نقد متنی قرار گرفته است. سوم اینکه در پژوهش حاضر، این روایات به لحاظ ساختاری و فضای صدور و عدم تطابق با واقعیت‌های تاریخی نیز نقد شده است.

## ۳. اهمیت پژوهش

پدیده جعل حدیث یکی از آسیب‌های جدی بوده که متأسفانه در طول تاریخ دست‌مایه افراد سودجو قرار گرفته است که در زمان حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس به جهت منافع سیاسی، احادیث متعددی جعل و وارد منابع تاریخی و

روایی گردید. بر همین اساس، اهل بیت (ع) از همان آغاز، پیروان خود را به بررسی صحت احادیث و اطمینان از صدور آن‌ها از معصوم امر کرده و در این باره راهکارهایی را جهت اطمینان از صحت احادیث ارائه می‌نمودند (نک: کلینی، ۱۳۶۲ ش: ج ۱، ص ۶۹). از طرف دیگر، برخی از مستشرقان با توجه به برخی از احادیث ضعیف و گزارش‌های تاریخی مجعول که معارض با اصول قطعی دینی هستند، خواسته یا ناخواسته به طرح شبهه و شبهه افکنی اقدام نمودند. البته برخی از دشمنان اهل بیت (ع) نیز به این شبهه افکنی تأکید کردند؛ بنابراین بررسی مستندات شبهات مستشرقان و نقد آن‌ها حائز اهمیت است؛ چراکه با نقد مستندات آن‌ها، به خودی خود شبهات آن‌ها نیز پاسخ داده می‌شود. در میان اهل بیت، امام حسن (ع) بیشتر از همه معرض شبهه افکنی قرار گرفته که یکی از این موارد اطلاق مطلق بودن و لذت‌جویی با زنان، به ایشان است. پاسخ قطعی و مستند و مستدل به این شبهات حائز اهمیت جدی است که علاوه بر پاسخگویی به شبهات در این باره، به معرفی صحیح شخصیت امام حسن با تکیه بر قرآن و سنت قطعی نیز می‌پردازد.

#### ۴. روایات مطلق

مسئله انتساب تعدد زوجات به امام حسن (ع) نخستین بار به مدائنی منتسب است که ابن ابی الحدید از قول وی این‌گونه نقل می‌کند: «احصیت زوجات الحسن بن علی فکن سبعین امرأة» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۴۰۴ ق: ج ۱۶، ص ۲۲). روایات مطلق نیز با تعبیر گوناگونی نقل شده است؛ از جمله: «قَالَ عَلِيٌّ: «يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ، أَوْ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، لَا تَزُوجُوا حَسَنًا، فَإِنَّهُ رَجُلٌ مُطَلَّقٌ»» (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹ ق: ج ۴، ص ۱۸۷). ابن عساکر این‌گونه نقل می‌کند: «قال علي يا أهل الكوفة لا تزوجوا الحسن بن علي فإنه رجل مطلق فقال رجل من همدان والله لنزوجنه فما رضی امسك و ما کره طلق» (ابن عساکر، ۱۹۹۵ م: ج ۱۳، ص ۲۴۹). البته در منابع شیعه هم روایات مطلق - هرچند معدود - بیان شده است؛ چنان‌که محدثان شیعی جهت نشان دادن منزلت امام حسن (ع) در میان مردم این روایات را نقل کرده‌اند که البته این روایات برگرفته از منابع اهل سنت است و ریشه و اصل آن از زمان عباسیان نشأت می‌گیرد که در مباحث آینده مورد نقد تحلیلی قرار می‌گیرد. کلینی در قسمت فروع کافی روایاتی می‌آورد که يك نمونه از آن به این صورت است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ع طَلَّقَ حَمْسِينَ امْرَأَةً فَقَامَ عَلِيٌّ ع بِالْكُوفَةِ فَقَالَ يَا مَعْشَرَ أَهْلِ الْكُوفَةِ لَا تُنْكِحُوا الْحَسَنَ فَإِنَّهُ رَجُلٌ مُطَلَّقٌ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ بَلَى وَ اللَّهُ لَنُنْكِحَهُ فَإِنَّهُ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ ابْنُ فَاطِمَةَ ع فَإِنْ أَعْجَبْتَهُ أَمْسَكَ وَ إِنْ كَرِهَ طَلَّقَ»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۳۶۲ ش: ج ۶، ص ۵۶). برخی دیگر از منابع شیعی نیز این روایات را از بیان امام صادق و قول امام علی بیان نموده‌اند که برخی از آن‌ها از لحاظ سندی معتبر نیستند و همه این روایات به لحاظ متنی غیرقابل‌پذیرش هستند؛ چراکه اولین و مهم‌ترین مرحله پذیرش یا رد يك حدیث متن آن است که اگر معارض با اصول قطعی بود، غیرقابل‌پذیرش است؛ که این روایات نیز این‌چنین هستند. علاوه بر این، بسیاری از این روایات و گزارش‌ها در منابع اهل سنت با مشکل سندی جدی روبه‌رو هستند و از سوی دیگر عدم تطابق زمانی بین راوی این احادیث و زمان امام حسن بر ضعف این گزارش‌ها می‌افزاید؛ مزید بر این‌که در گزارش‌های تاریخی از مورخان

<sup>۱</sup>- امام صادق علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام در حالی که بر فراز منبر مشغول سخنرانی بود فرمود: به فرزندم حسن زن ندهید او زیاد طلاق می‌دهد. مردی از قبیله همدان برخاست و گفت: آری، به خدا قسم ما به حسن زن میدهم، در حالی که او فرزند پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله و علی بن ابی طالب علیه السلام است اگر بخواهد نگه میدارد و اگر نخواهد طلاق میدهد.

و محدثان زمان بنی امیه که دشمنی بیشتری نسبت به امام حسن و اهل بیت داشتند، نقلی وجود ندارد؛ چراکه اگر در این باره چیزی وجود داشت، بنی امیه با غلو زیادتر و تخریب شدیدتر، جهت رسیدن به منافع خود آن را نقل می‌کردند. روایات مطلق نیز و انتساب تعدد زوجات و... به امام حسن نیز از این حیث است که در ادامه به جهت متنی نقد و رد خواهند شد.

### ۵. نقد روایات مطلق و تعدد زوجات امام حسن (ع)

روایات مطلق به لحاظ محتوایی و ساختاری، معارض با ادله قطعی هستند، که نمی‌توان آن‌ها را پذیرفت. پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) برای اطمینان از صحت احادیث راهکارهایی را بیان نموده‌اند که با عرضه احادیث به آن‌ها صحت حدیث مشخص می‌شود. اول عرضه روایات بر قرآن، به این صورت که هر روایتی بر قرآن کریم عرضه شود تا اگر مخالف با قرآن نبود، پذیرفته شود و اگر مخالف با قرآن بود، پذیرفته نشود (نک: روایات عرض). دومین راهکار در تشخیص صحت يك حدیث، بهره‌گیری از سنت قطعی است، در آموزه‌های اهل بیت (ع)، این سنت قطعی به‌عنوان یکی از معیارهای سنجش روایات مورد استناد قرار گرفته است (نهج البلاغه، نامه ۵۳). سومین راهکاری که اهل بیت (ع) در این باره برای تشخیص احادیث صحیح ارائه نموده‌اند، عرضه روایات بر عقل سلیم است که اگر معارض با عقل سلیم باشد، پذیرفتنی نیست. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «اعقلوا الخبر إذا سمعتموه عقل رعاية لا عقل رواية فإن زواة العلم كثير و زعاته قليل» (همان، حکمة ۹۸). به‌عنوان مثال، روایاتی که تعداد همسران امام حسن (ع) را تا ۳۰۰ تن ذکر می‌کند، معارض با عقل سلیم است و با واقعیت‌های زندگی مطابقت ندارد؛ بنابراین برای تشخیص صحت روایات باید متن آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

### ۵.۱. نقد محتوایی روایات مطلق

روایات مطلق، با عصمت امام حسن، در تعارض هستند؛ که انتخاب میان دو مورد که یکی قطعی الصدور و دیگری ظنی و غیرقطعی است، به لحاظ عقلی و نقلی و منطقی، مورد قطعی الصدور ارجحیت مطلق دارد. در ادامه، در چند بعد، محتوای روایات مطلق نقد می‌شوند.

#### ۵.۱.۱. تعارض با عصمت امام (ع) در قرآن و سنت

واژه عصمت یکی از واژگانی است که پیرامون انبیاء (ع) و ائمه معصوم (ع) به کار می‌رود. لغت‌پژوهان درباره این واژه نظرات نزدیک به هم بیان کرده‌اند؛ این منظور در تعریف لغوی عصمت می‌نویسد: «عصمت» در کلام عرب به معنی منع است و عصمت خداوند نسبت به بنده خود به این معناست که او را از آنچه موجب هلاکت او است، باز می‌دارد. «ابن منظور، ۱۹۷۰ م: ج ۱۲، ص ۴۰۴) امام صادق (ع) معصوم را با استناد به قرآن کریم این‌گونه تعریف می‌نماید: «المعصوم هو الممتنع بالله من جميع محارم الله و قال الله تبارک و تعالی - و من يعتصم بالله فقد هدی إلى صراط مستقیم» (صدوق، ۱۴۰۳ ق: ص ۱۳۳). معصوم کسی است که به کمک خدا، خود را از همه محرمات الهی نگه دارد. خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «و هر که به خدا عصمت و پناه جوید، هرآینه به راه راست هدایت شده است.» در تعریف اصطلاحی عصمت، اندیشمندان اسلامی تعاریف متعددی ارائه نموده‌اند؛ شریف مرتضی در تعریف عصمت

می‌نویسد: «عصمت از الطافی است که شخص با داشتن آن، پاکی از زشتی (گناه و اشتباه) و پرهیز از انجام آن را برمی‌گزیند» (شریف مرتضی، ۱۴۰۹ ق: ص ۸۱). شیخ مفید، در تعریف عصمت به اجتناب از گناه و درعین حال به داشتن اختیار در انجام دادن گناه اشاره می‌کند و می‌نویسد: «عصمت، لطفی از جانب خداوند است که شامل حال مکلف می‌شود و او را از وقوع در معصیت و ترک اطاعت بازمی‌دارد؛ با این که آن شخص قادر به انجام آن دو است» (مفید، ۱۴۱۴ ق: ص ۳۷). علامه مظفر در تعریف عصمت و دامنه مصادیق آن می‌نویسد: «عصمت، دوری از گناهان کوچک و بزرگ و همچنین دوری از اشتباه و فراموشی است؛ هرچند صدور این موارد از پیامبر به لحاظ عقلی مانعی ندارد؛ اما واجب است معصوم از انجام کارهای منافی مروّت و کارهایی که موجب سبک شدن و خفت در میان مردم می‌شود، همچون: غذا خوردن در محل عبور و مرور، خنده با صدای بلند و هر کاری که در عرف مردم ناپسند باشد، پرهیز کند»<sup>۱</sup> (مظفر، ۱۳۸۰ ش: ص ۶۴) اگر با توجه به اصل مبعوض بودن طلاق، روایات مطلق بررسی شود، این روایات معارض با عصمت به معنای پیراستگی از مکروهات است؛ به عبارتی شخصیت معصوم امری را که مورد نارضایتی خداوند است، انجام نمی‌دهد و طلاق هم هرچند امری حلال است اما مکروه است؛ از طرفی دیگر طلاق‌های زیاد که فلسفه خاصی برای آن نیست و جهت تکاملی و عبودیت در آن وجود ندارد، امری لغو و بیهوده است که اولیای معصوم از آن منزه هستند. به این جهت این مسئله با اصل عصمت که ائمه را منزه از هرگونه امور مورد ناخوشایند خداوند بیان می‌کنند، است. عصمت امام حسن یکی از مهم‌ترین اصول مرتبط با شخصیت ایشان است که مستند آن، آیات قرآن و روایت پیامبر اعظم است. در معصوم بودن امام حسن جای هیچ شکی و تردیدی نیست بنابراین روایات مطلق بودن که معارض با عصمت ایشان است غیرقابل پذیرش هستند. آیات متعددی از قرآن دلالت بر عصمت و مقام و منزلت والای امام حسن مجتبی دارند از جمله:

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنفُسَنَا وَ أَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران/ ۶۱)

«إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/ ۳۳). در ذیل این آیه حدیثی از پیامبر اکرم این‌گونه نقل شده است: «اللَّهُمَّ هُوَ لَاءِ أَهْلِ بَيْتِي وَ خَاصَّتِي، أَذْهَبَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا»، فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: وَ أَنَا مَعَهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «إِنَّكَ إِلَيَّ خَيْرٌ». ترمذی در اعتبار این روایت می‌نویسد: «هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ وَ هُوَ أَحْسَنُ شَيْءٍ رُوِيَ فِي هَذَا الْبَابِ وَ فِي الْبَابِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ، وَ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، وَ أَبِي الْحَمْرَاءِ» (ترمذی، ۱۳۹۵ ق: ج ۵، ص ۶۹۹).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء/ ۵۹).

آیات: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ \* فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ \* لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ \* تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (واقعه/ ۷۷-۸۰). تمامی این آیات عصمت اهل بیت را بیان می‌کنند که امام حسن یکی از آنهاست. که جهت اختصار نکات تفسیری این آیات بیان نگردید.

<sup>۱</sup> - والعصمة: هي التنزه عن الذنوب والمعاصي صغائرها وكبائرها، وعن الخطأ والنسيان وإن لم يمتنع عقلاً على النبي أن يصدر منه ذلك، بل يجب أن يكون منزهاً حتى عما ينافي المروءة، كالتبذل بين الناس من أكل في الطريق أو ضحك عال، وكل عمل يستهجن فعله عند العرف العام.

در این باره روایات متعدد و معتبری پیرامون عصمت اهل بیت بیان شده که امام حسن (ع) را نیز در برمی گیرد از جمله: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِن تَمَسَّكُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ. وَ عَثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، وَ لَنْ يَنْفَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا» (مسلم، بی تا: ج ۴، ص ۱۸۷۳) حدیث ثقلین حدیث متواتری است که عدم افتراق قرآن و اهل بیت را بیان می کند که لازمه این اقتران و عدم افتراق، عصمت اهل بیت است. در جای دیگر می فرماید: «فَأَنَا وَ أَهْلَ بَيْتِي مُطَهَّرُونَ مِنَ الذُّنُوبِ»؛ «أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ» (طبرسی، ۱۳۹۰: ص ۹)

در گونه ای دیگر از روایات نبوی، اختصاصاً مقام و منزلت امام حسن (ع) بیان شده است از جمله: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا ابْنِي وَ أَنَا أَحِبُّهُ فَاحْبِبْهُ وَ أَحِبُّ مَنْ يَحِبُّهُ» (فیروزآبادی، ۱۳۹۲ ق: ج ۳، ص ۲۳۶)؛ «وَ لَوْ كَانَ الْعَقْلُ رَجُلًا لَكَانَ الْحَسَنُ» (حموی جویبی، ۱۳۹۸ ق: ج ۲، ص ۶۸)؛ «ابنای امامان قداماً أو قعداً» (محدث اربلی، ۱۳۸۱ ه: ج ۱، ص: ۵۳۴)؛ «الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» (همان)؛ بنابراین با این ادله قطعی از قرآن و سنت، روایات مطلق و افتراء لذت طلبی به امام حسن معارض با این ادله قطعی است و غیرقابل پذیرش می باشند؛ به عبارت دیگر، میان قطعیات و ظنیات، چیزی که - به صراحت - برتری دارد قطعیات است. عصمت امام حسن (ع) و حجیت سیره و سخنان ایشان امری قطعی و استناد مطلق بودن و لذت طلبی به ایشان امری ظنی و معارض با ادله قطعی است که به لحاظ عقلی و نقلی غیرقابل پذیرش هستند.

### ۵. ۱. ۲. تعارض با سیره امام علی (ع) در ارتباط عصمت امام حسن

مهم ترین دلیل در رد روایات مطلق، تعارض این روایات با سیره قطعی امام علی (ع) در رابطه با عصمت امام حسن (ع) است. روایات مطلق چه در منابع شیعه و چه در منابع سنی از قول امام علی (ع) بیان شده است که مردم را از تزویج دختران به امام حسن (ع) نهی می کند. نهی در این احادیث به معنای اجتناب از کاری نادرست است که امام حسن (ع) به آن مرتکب می شده است. این در حالی است که نهی مزبور - در هر صورت و با هر مفهومی - معارض با سیره اهل بیت عصمت و طهارت (ع) است و مهم تر این که بیان مذکور معارض با سیره قطعی امام علی (ع) در رابطه با عصمت امام حسن (ع) است. این روایات در سه محور مهم و قطعی، با سیره امام علی (ع) تعارض شدید دارند و غیرقابل پذیرش هستند؛

اول اینکه امام علی (ع) برای اهل بیت پیامبر (ص) که امام حسن (ع) در صدر آنها بود ارزش والایی قائل بود و در مواضع گوناگون مردم را به پیروی از آنان تشویق می نمود. بررسی سیره قطعی و صحیح امام علی (ع) در رابطه با امام حسن (ع) به صراحت جعلی بودن روایات مطلق را اثبات می کند. اگر روایات مطلق و نهی امام علی (ع) از تزویج دختران با امام حسن (ع) صحیح بود، معنی نداشت این همه روایات از امام علی (ع) در رابطه با اهل بیت (ع) باشد که امام حسن (ع) صدر آنان است. امام به صراحت از مردم می خواهد که برای هدایت به سوی اهل بیت بروند، حال چگونه در برخی موارد از بعضی امور مردم را نسبت به امام حسن (ع) که صدر اهل بیت (ع) است نهی کند. این تعارض آشکار به درستی جعلی بودن روایات مطلق را نشان می دهد. در مقام علمی اهل بیت (ع) می فرماید: «هُم عِيشُ الْعِلْمِ وَ مَوْتُ الْجَهْلِ يَجْبِرُكُمْ حِلْمُهُمْ عَنْ عِلْمِهِمْ وَ ظَاهِرُهُمْ عَنْ بَاطِنِهِمْ وَ صَمْتُهُمْ عَنْ حِكْمِ حُكْمِ مَنْطِقِهِمْ لَا يَخَالِفُونَ الْحَقَّ وَ لَا

يُحْتَلِفُونَ فِيهِ وَ هُمْ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ وَ وَلَا يُجِ الْعِتِصَامَ بِهِمْ عَادَ الْحَقُّ إِلَى نِصَابِهِ وَ انْزَاحَ الْبَاطِلُ عَنْ مَقَامِهِ [مَقَامِهِ وَ انْقَطَعَ لِسَانُهُ عَنْ مَنَابِتِهِ عَقَلُوا الدِّينَ عَقْلَ وَ عَايَةَ وَ رِعَايَةَ لَا عَقْلَ سَمَاعٍ وَ رِوَايَةَ فَإِنَّ رِوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَ رِعَايَتُهُ قَلِيلٌ] <sup>۱</sup> (نهج البلاغه، خطبه ۸۷). در جای دیگر در این باره می فرماید: «فِيهِمْ كَرَامَةُ الْقُرْآنِ، وَ هُمْ كُنُوزُ الرَّحْمَنِ. إِنَّ نَطَقُوا صَدَقُوا، وَ إِنْ صَمَتُوا لَمْ يَسْبِقُوا. فَلْيَصِدُقُوا رَأْدَ أَهْلَهُ» <sup>۲</sup> (همان: خطبه ۱۵۳). همچنان می فرماید: «أَيْنَ الَّذِينَ زَعَمُوا أَنَّهُمُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ دُونَنَا؟! كَذِبًا وَ بَعْثًا عَلَيْنَا، أَنْ زَفَعْنَا اللَّهَ وَ وَضَعَهُمْ، وَ أَعْطَانَا وَ حَرَمَهُمْ، وَ أَدَخَلْنَا وَ أَخْرَجَهُمْ. بِنَا يَسْتَعْطَى الْهُدَى، وَ يَسْتَجَلِي الْعَمَى. إِنَّ الْأُئِمَّةَ مِنْ قُرَيْشٍ، غُرُسُوا فِي هَذَا الْبَطْنِ مِنْ هَاشِمٍ، لَا تَصْلُحُ عَلَى سِوَاهُمْ، وَ لَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ مِنْ غَيْرِهِمْ» <sup>۳</sup> (همان: خطبه ۱۴۴).

دوم این که، امام علی (ع) به صورت عملی مردم را به مقام امام حسن (ع) متنبه می نماید. به عنوان نمونه، امام علی (ع) از امام حسن (ع) می خواهد که برای مردم خطبه بخواند و قصد امام از این کار نشان دادن عظمت و مقام امام حسن (ع) به صورت عملی و مشهود برای مردم بود. به عنوان نمونه، ابن کثیر درباره اجلال و احترام امام حسن (ع) توسط امام علی (ع) این گونه می نویسد: «وَكَانَ عَلِيٌّ يَكْرُمُ الْحَسَنَ إِكْرَامًا زَائِدًا، وَيَعْظُمُهُ وَيَبَجِّلُهُ وَقَدْ قَالَ لَهُ يَوْمًا: يَا بَنِي الْأَلَا تَخْطُبُ حَتَّى أَسْمَعَكَ؟ فَقَالَ: إِنِّي أَسْتَحْيِي أَنْ أُخْطَبَ وَأَنَا أَرَاكَ، فَذَهَبَ عَلِيٌّ فَجَلَسَ حَيْثُ لَا يَرَاهُ الْحَسَنَ ثُمَّ قَامَ الْحَسَنُ فِي النَّاسِ خَطِيبًا وَعَلِيٌّ يَسْمَعُ، فَأَدَّى خُطْبَةً بَلِيغَةً فَصِيحَةً فَلَمَّا انْصَرَفَ جَعَلَ عَلِيٌّ يَقُولُ: ذُرِّيَّةُ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۷ ق: ج ۸، ص ۳۷). در منابع روایی شیعه نیز این اجلال و اکرام امام حسن (ع) توسط امام علی (ع) در مواضع گوناگون بیان شده است (نک: مجلسی، ۱۳۶۲ ش: ج ۴۳، ص ۳۴۲). امام علی (ع) در مواضع گوناگون برای پاسخ دادن به سؤالات مردم آن ها را به امام حسن (ع) ارجاع می دادند که این نشان از جایگاه والای امام حسن (ع) در پیشگاه امام علی (ع) بوده است (نک: ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶ م: ج ۴، ص ۱۱؛ مجلسی، ۱۳۶۲ ش: ج ۷، ص ۱۵۰).

سوم اینکه این روایات معارض با سیره حکومتی امام علی (ع) است. چگونه امام علی نظارت کامل بر کارگزاران خود داشته و آنان را از هرگونه اسراف بیت المال و ... نهی می کند اما نسبت به فرزند خود بی تفاوت باشد. امام علی نامه های متعددی به کارگزاران خود می نگاشته است، اما در هیچ یک از نامه ها یا وصایای خود، امام حسن را توبیخ ننموده است. از سوی دیگر در نامه های امام علی به فرزندان خود در هیچ کجا نشانه ای از نهی امام علی از عملی ناپسند از فرزندان

<sup>۱</sup>- خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مایه حیات دانش و نابودی جهل اند، بردباری شان شما را از دانش آن ها خبر می دهد و ظاهرشان از صفای باطن و سکوتشان از حکومت های گفتارشان با خبر می سازد، هرگز با حق مخالفت نکردند و در آن اختلاف ندارند. آنان ستون های استوار اسلام و پناهگاه مردم می باشند، حق به وسیله آنها به جایگاه خویش بازگشت و باطل از جای خویش رانده و نابود، و زبان باطل از ریشه کنده شد. اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دین را چنانکه سزاوار بود، دانستند و آموختند و بدان عمل کردند، نه آنکه شنیدند و نقل کردند، زیرا راویان دانش بسیار، اما حفظ کنندگان و عمل کنندگان به آن اندکند.

<sup>۲</sup>- مردم در باره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آیات کریمه قرآن نازل شد، آنان گنجینه های علوم خداوند رحمانند، اگر سخن گویند، راست گویند و اگر سکوت کنند بر آنان پیشی نجویند.

<sup>۳</sup>- کجا هستند کسانی که پنداشتند دانایان علم قرآن آنان می باشند نه ما که این ادعا را بر اساس دروغ و ستمکاری بر ضد ما روا داشتند، خدا ما اهل بیت پیامبر علیهم السلام را بالا آورد و آنان را پست و خوار کرد، به ما عطا فرمود و آنها را محروم ساخت، ما را در حریم نعمت های خویش داخل و آنان را خارج کرد، که راه هدایت را با راهنمایی ما می پویند و روشنی دل های کور را از ما می جویند. همانا امامان (دوازده گانه) همه از قریش بوده که درخت آن را در خاندان بنی هاشم کاشته اند، مقام ولایت و امامت در خور دیگران نیست و دیگر مدعیان زمامداری، شایستگی آن را ندارند.

خود از جمله امام حسن دیده نمی‌شود.

### ۵. ۱. ۳. تعارض با سیره عصمت بنیان امام حسن (ع)

آنچه از سیره قطعی امام حسن (ع) در روایات متعدد و معتبر نقل شده، مخالف و معارض با روایات مطلق و تعدد زوجات و افتراء لذت‌طلبی و خوش‌گذرانی به ایشان است. روایات صحیح و سنت قطعی ایشان آن‌چنان است که هر انسان با انصافی به عدم قبول روایات مطلق حکم می‌کند. امام حسن (ع) در خانه نبوت دیده به جهان گشود و از همان آغاز تربیت و تکامل او در محضر وحی و رسالت بود (مجلسی، ۱۳۶۲ ش: ج ۴۳، ص ۳۳۸). امام سجاد درباره سیره امام حسن (ع) و زهد و تقوای والای ایشان می‌فرماید: «أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع كَانَ أَعْبَدَ النَّاسِ فِي زَمَانِهِ وَ أَزْهَدَهُمْ وَ أَفْضَلَهُمْ وَ كَانَ إِذَا حَجَّ حَجَّ مَاشِيًا وَ رُبَّمَا مَشَى حَافِيًا وَ كَانَ إِذَا ذَكَرَ الْمَوْتَ بَكَى وَ إِذَا ذَكَرَ الْقَبْرَ بَكَى وَ إِذَا ذَكَرَ الْبُعْثَ وَ النَّشُورَ بَكَى وَ إِذَا ذَكَرَ الْمَمَرَ عَلَى الصَّرَاطِ بَكَى وَ إِذَا ذَكَرَ الْعَرْضَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى ذَكَرَهُ شَهَقَ شَهَقَةً يَغْشَى عَلَيْهِ مِنْهَا وَ كَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَزَعَّدُ فَرَائِضَهُ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَانَ إِذَا ذَكَرَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ اضْطَرَبَ اضْطِرَابَ السَّلِيمِ وَ يَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ يَعُوذُ بِهِ مِنَ النَّارِ»<sup>۱</sup> (صدوق، ۱۴۰۰ ق: ص ۱۷۸) در روایت دیگر از امام صادق (ع) سیره عبادی امام حسن (ع) این‌گونه بیان شده است: «عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع بَلَّغْنَا أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ع حَجَّ عَشْرِينَ حِجَّةً مَاشِيًا قَالَ إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ع حَجَّ وَ يَسَاقُ مَعَهُ الْمَحَامِلُ وَ الرَّحَالُ الْخَبْر» (مجلسی، ۱۳۶۲ ش: ج ۴۳، ص ۳۳۳). در منابع اهل سنت نیز موارد متعددی از سیره امام حسن و زهد و تقوای ایشان بیان شده است؛ ابن کثیر در کتاب البدایة و النهایة این‌گونه نقل می‌کند: «كَانَ الْحَسَنُ إِذَا صَلَّى الْعِدَاةَ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ يَجْلِسُ فِي مُصَلَاةٍ يَذْكُرُ اللَّهَ حَتَّى تَرْتَفِعَ الشَّمْسُ، وَيَجْلِسُ إِلَيْهِ مَنْ يَجْلِسُ مِنْ سَادَاتِ النَّاسِ يَتَحَدَّثُونَ عِنْدَهُ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَذْخُلُ عَلَى أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ فَيَسَلِّمُ عَلَيْهِنَّ وَرُبَّمَا أَنْحَفَنَّهُ ثُمَّ يَنْصَرِفُ إِلَى مَنَزِلِهِ» (ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق: ج ۸، ص ۳۷). ابن عساکر درباره سیره امام حسن در به جا آوردن حج این‌گونه نقل می‌کند: «عن محمد بن علی قال قال الحسن بن علی إني استحيى من ربي عز وجل أن القاه ولم امش إلى بيته قال فمشى عشرين مرة من المدينة على رجليه» قال عبد الله بن عباس ما ندمت على شيء فأتني في شبابي إلا أني لم احج ماشيا ولقد حج الحسن بن علي خمسا وعشرين مرة ماشيا النجائب لتقاد معه ولقد قاسم الله ماله ثلاث مرات حتى انه يعطى الخف ويمسك النعل» (ابن عساکر، ۱۹۹۵ م: ج ۱۳، ص ۲۴۲). از سوی دیگر مطلق بودن و تعدد زوجات امام حسن، معارض با سیره قرآنی ایشان است چراکه امام به‌عنوان افضل مؤمنان منزله از هرگونه کار لغو و بیهوده است چنان‌که قرآن کریم درباره مؤمنان می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ \* الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ \* وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (مؤمنون/ ۳-۱) امام حسن منزله از آن بوده که کار لغو و عبثی انجام دهد. ازدواج‌ها و طلاق‌های متعدد یا به جهت لذت‌طلبی بوده که با عصمت امام در تعارض است یا به جهت خواست مردم جهت کسب فضیلت تزویج دختران به فرزند پیغمبر بوده که باز این مطلب نیز

<sup>۱</sup> - حسن بن علی بن ابی طالب علیهما السلام عابدترین و زاهدترین و با فضیلت‌ترین مردم روزگار خود بود. هرگاه حج می‌رفت پیاده و گاه و پای برهنه می‌رفت؛ هرگاه سخن از مرگ به میان می‌آمد می‌گریست؛ هرگاه سخن از قبر به میان می‌آمد می‌گریست؛ هرگاه سخن از قیامت و رستاخیز به میان می‌آمد می‌گریست؛ هرگاه از گذشتن بر صراط‌یاد می‌شد می‌گریست؛ هرگاه از حاضر شدن در دادگاه عدل الهی سخن به میان می‌آمد، چنان صیحه ای می‌زد که بر اثر آن از هوش می‌رفت؛ هرگاه به نماز می‌ایستاد بدنش در پیشگاه پروردگارش عز و جل، می‌لرزید؛ هرگاه از بهشت و دوزخ سخن به میان می‌آمد، مانند مار گزیده به خود می‌پیچید و بهشت را از خداوند مسئلت می‌کرد و از آتش دوزخ به او پناه می‌برد.

غیرقابل پذیرش است چراکه قرآن فضیلت را به تقوا بیان می‌کند نه به قوم و قبیله و... چنان که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/۱۳) چه این که همسران برخی از پیامبران مانند حضرت نوح و هود مؤمن نبودند و همسری پیامبران به آن‌ها سودی نرساند؛ بنابراین این عمل به جهت فضیلت‌سازی برای مردم منزه از سیره امام حسن است چه این که در سیره اهل بیت طلاق یکی از منفورترین حلال‌ها معرفی شده است: «إِنَّ اللَّهَ يَبْغُضُ كُلَّ مُطَلِّقِ ذَوَّاقٍ» (کلینی، ۱۳۶۲ ش: ج ۶، ص ۵۵)؛ «ما من شيء مما أحله الله أبغض إليه من الطلاق وإن الله عز وجل يبغض المطلق الذواق» (همان: ص ۵۴)؛ پس این موارد معارض با سیره امام حسن (ع) است. امام حسن تمامی عمر خود را وقف خدمت به اسلام و مسلمین نمود و تمام عمر بندگی خداوند را به‌جا آورد. افتراء لذت‌طلبی به ایشان و مطلق و تعدد زوجات نه تنها با سیره قطعی ایشان معارض است که به لحاظ عقلی و تاریخی نیز بعید و غیرممکن است چراکه امام حسن بآن همه مشغله و اموراتی که بر عهده داشت فرصت این امور را نداشت؛ بنابراین از این بعد هم این روایات معارض و غیرقابل قبول هستند.

#### ۵. ۱. نقد ساختاری روایات مطلق

در این قسمت، روایات مطلق به لحاظ ساختاری و چگونگی شکل‌گیری آن‌ها نقد می‌شود.

#### ۵. ۱. ۲. پیشینه وضع روایات مطلق

بررسی فضای صدور روایات مطلق، شاهدی مهم در مجعول بودن این روایات است. اولین بار بحث مطلق بودن امام حسن (ع) توسط منصور دوانیقی خلیفه عباسی بیان شد. وی در جمع خراسانیان با تخریب شخصیت امام حسن (ع) این‌گونه سخنرانی کرد: «ثم قام من بعده الحسن بن علي، فو الله ما كان فيها برجل، قد عرضت عليه الأموال، فقبلها، ففسد إليه معاوية، إني أجعلك ولي عهدى من بعدى، فخدعه فانسلخ له مما كان فيه، وسلمه إليه، فأقبل على النساء يتزوج في كل يوم واحدة فيطلقها غدا، فلم يزل على ذلك حتى مات على فراشه» (طبری، ۱۳۸۷ ق: ج ۸، ص ۹۳).

بررسی تاریخی زمان ظهور عباسیان این مطلب را مشهود می‌سازد که بنی الحسن یکی از مهم‌ترین رقبای بنی عباس بودند و بنی العباس از هر طریقی می‌خواستند بنی الحسن را از میان بردارند؛ با تذکر این نکته که بنی العباس با نام اهل بیت پیامبر حمایت مردم را جمع کرده بودند و توانسته بودند به خلافت برسند؛ به همین خاطر رقیب اصلی آنان در خلافت بنی الحسن بودند. برای همین از هر طریقی برای تخریب آنان استفاده می‌کردند (همان: ج ۷، ص ۵۱۸). اوضاع خراسان در عهد منصور دوانیقی به‌گونه‌ای شده بود که همگان انتظار محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب بودند؛ چراکه در برخی گزارش‌های تاریخی آمده است که حاکم خراسان به منصور نامه می‌نویسد و جریان تمایل مردم به محمد بن عبدالله را هشدار می‌دهد؛ که منصور، دستور به کشتن او می‌دهد (ابن الأثیر، ۱۴۱۷ ق: ج ۵، ص ۱۰۶).

منصور فقط به کشتن محمد بن عبدالله راضی نشد بلکه دیگر مردان از بنی الحسن را نیز به شهادت رساند. (همان: ص ۱۰۷) منصور بعد از کشتن محمد بن عبدالله برای راضی کردن مردم خراسان و منحرف کردن آن‌ها از بنی الحسن آن سخنرانی معروف خود را انجام داد و به تخریب شخصیت امام حسن (ع) پرداخت و به ایشان افتراء مطلق

بودن و مشغول بودن به زنان را داد. هدف منصور از تخریب شخصیت امام حسن (ع)، منحرف کردن مردم نسبت به بنی الحسن بود تا مردم را نسبت به آن‌ها بدگمان و بدبین کند؛ بنابراین بررسی تاریخ آغاز این روایات به‌درستی این نکته را بیان می‌نماید که بنی عباس برای تحکیم قدرت خود علاوه بر عنصر نظامی از عنصر تخریب شخصیت و تحریف شخصیت امام حسن (ع) برای کم‌رنگ کردن قدرت بنی الحسن استفاده کردند. این نکته از آنجا مشهود می‌شود که بنی امیه برای رسیدن به قدرت از هر راهی استفاده می‌کردند. اگر درباره امام حسن (ع) ایرادی سراغ داشتند حتماً از آن در تبلیغات سوء خود علیه ایشان استفاده می‌نمودند؛ در صورتی که در هیچ منبع و سخنی صحبت از مطلق بودن و تعدد زوجات امام حسن (ع) توسط بنی امیه بیان نشده است؛ بنابراین بررسی تاریخچه صدور افتراء مطلق بودن امام حسن (ع) و شرایط سیاسی آن زمان به‌خوبی جعلی بودن آن را اثبات می‌نماید.

### ۲.۲.۵. تعارض اقوال دال بر تعداد زنان امام حسن (ع)

آنچه از روایات مجعول برمی‌آید این است که امام حسن بسیار ازدواج می‌کرد و بسیار طلاق می‌داد؛ برخی در توضیح علت ازدواج‌ها و طلاق‌های متعدد، بحث منزلت امام را مطرح می‌کنند به‌گونه‌ای که مردم به جهت افتخار و کسب فضیلت دختران خود را به مدت کمی به ازدواج امام درمی‌آوردند. اگر تعداد ازدواج‌های امام حسن صحیح بود باید اسامی زنان ایشان در تاریخ مشهور می‌شد و هرکسی که با امام ازدواج می‌کرد با افتخار این ازدواج را در همه‌جا علنی می‌نمود و برای خود فضیلت قلمداد می‌کرد؛ اما نبود اسامی این زنان به‌صورت عقلی، افسانه بودن تعدد زوجات امام حسن را اثبات می‌کند. تعارضی که در معرفی تعداد زنان امام حسن وجود دارد به‌درستی افسانه بودن این داستان را اثبات می‌کند؛ اگر ازدواج‌های متعدد امام صحت داشت در تاریخ به‌طور قطعی نام همسران و تعداد آن‌ها ثبت و ضبط شد این در حالی است که این‌گونه نیست؛ به‌عنوان مثال برخی همسران آن حضرت را ۳۰۰ نفر (ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶ م: ج ۳، ص ۱۲)، برخی ۲۰۰ نفر (مجلسی، ۱۳۶۲ ش: ج ۴۴، ص ۱۷۳). برخی ۹۰ نفر (بلاذری، ۱۴۱۷ ق: ج ۳، ص ۲۵) و برخی ۴۰ نفر (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۷ ق: ج ۸، ص ۴۲) شمرده‌اند. این تعارضات شدید به‌درستی نادرستی مطلق بودن امام حسن را اثبات می‌کند. مورخان شیعه و سنی با همه تحقیقات و جستجوهای که داشته‌اند حداکثر نام ۱۳ نفر را بیان کرده‌اند که عبارت‌اند از:

خوله دختر منظور بن زیاد فزاری (قرشی، ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ص ۴۵۵). جُعدہ دختر اشعث بن قیس کندی (مفید، ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ص ۱۵). عایشه خثعمیه (شوشتری، ۱۴۰۴ ق: ج ۱۱، ص ۱۵۶). ام کلثوم دختر فضل بن عباس بن عبدالمطلب (قرشی، ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ص ۴۶۰). ام اسحاق دختر طلحة بن عبیدالله تیمی (مجلسی، ۱۳۶۲ ش: ج ۴۴، ص ۱۷۳). ام بشیر دختر ابومسعود عقبه بن عمر انصاری خزرجی (مفید، ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ص ۲۰). هند بنت عبدالرحمان بن ابی بکر (قرشی، ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ص ۴۶۰). زنی از قبیله عمرو بن اهِیم منقری (مجلسی، ۱۳۶۲ ش: ج ۴۴، ص ۱۷۳). زنی از خاندان بنی ثقیف (همان). زنی از قبیله بنی شیبان (قرشی، ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ص ۴۶۰). نفیله ام ولد یا رمله (همان) زینب دختر سبیب بن عبدالله (همان منبع) زنی از قبیله بنی شیبان (همان).

با این‌همه نمی‌توان برخی از این ۱۳ نفر را هم با قطعیت جزء همسران امام حسن به حساب آورد. نکته دیگری که حائز اهمیت است این است که این زنان هم‌زمان همسر امام نبودند بلکه با مرگ بعضی از آن‌ها امام با برخی دیگر

ازدواج نموده است (نک: رسولی محلاتی، ۱۳۹۲ ش: ص ۴۸۴-۴۶۹).

### ۵.۲.۳. تعارض با تعداد فرزندان امام حسن (ع)

اگر ازدواج‌های متعدد امام حسن حقیقت داشت بالطبع باید فرزندان زیادی از این امام به یادگار می‌ماند در صورتی که تعداد فرزندان ایشان کمی همسران امام و بالطبع کمی ازدواج‌های ایشان را بیان می‌نماید. شیخ مفید تعداد فرزندان امام حسن را ۱۵ تن ذکر کرده است (مفید، ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ص ۲۰). برخی از مورخان اهل سنت تعداد فرزندان امام حسن را ۱۵ پسر و هشت دختر بیان می‌کنند (سبط ابن جوزی، ۱۴۲۶ ق: ص ۱۹۴؛ مقدسی، بی‌تا: ج ۵، ص ۷۵). طبرسی ۱۶ پسر و ۱ دختر بیان می‌کند (طبرسی، ۱۳۹۰ ق: ص ۴۱۶). این تعداد فرزندان به خوبی کمی تعداد همسران امام حسن را گواهی می‌دهد.

### ۶. نتیجه

یکی از مهم‌ترین شبهاتی که در منابع اهل سنت و بعضاً شیعی در رابطه با امام حسن (ع) مطرح می‌شود، انتساب مطلق بودن به ایشان است؛ یعنی، امام حسن (ع) ازدواج‌ها و طلاق‌های متعدد داشته و لذت طلب بوده و بر مبنای همین روحیه، با معاویه صلح نموده و از حکومت کناره‌گیری کرده است. روایات مطلق از چند جهت غیرقابل پذیرش هستند؛ ۱- این روایات با عصمت امام حسن (ع) که به معنای تنزیه ایشان از هرگونه خطا و اشتباه و گناه است معارض می‌باشند؛ عصمت اهل بیت (ع) مستند به آیات قرآن از جمله آیه تطهیر، آیه مباحله، آیات مطهرون و غیره است همچنان که روایات قطعی الصدور از پیامبر اعظم (ص) مانند حدیث ثقلین و روایات تطهیر نیز بر عصمت ایشان دلالت دارد اما روایات مطلق تعارض جدی با این اصول قطعی دارد.

۲- مهم‌ترین نکته‌ای که در نقد روایات مطلق باید در نظر داشت این است که این روایات منتسب به امام علی (ع) است؛ به این معنا که امام علی (ع) مردم را از تزویج دختران به امام حسن (ع) نهی می‌کند. این نهی با هر مفهومی، مناسب با شخصیت امام حسن (ع) به‌عنوان امام معصوم نیست. با بررسی سیره صحیح امام علی (ع) در مواضع گوناگون، این نتیجه به دست می‌آید که ایشان در مواضع گوناگون با تأکید، مردم را به پیروی از اهل بیت- که امام حسن (ع) در صدر آنان (ع) است- تشویق و امر نموده و در مواضع گوناگون، امام حسن (ع) را اجلال و اکرام می‌کند و در پاسخ به سؤالات مردم، آن‌ها را به ایشان ارجاع می‌دهد. این سیره امام علی (ع) معارض با نهی ایشان در روایات مطلق است؛ بنابراین، روایات مطلق با تأکید بر این سیره، غیرقابل پذیرش‌اند.

۳- سیره امام حسن (ع)- با توجه به آنچه عام و خاص نقل کرده‌اند- سیره‌ای معصومانه و در مسیر عبودیت و خدمت به اسلام و مسلمین، زهد و ساده‌زیستی و تقوا بوده است که این سیره معارض با ازدواج‌های متعدد و خوش‌گذرانی و پرداختن به امور زنان است.

۴- در نقد ساختاری، این روایات با تعارض جدی روبرو هستند؛ اولین بار، واژه مطلق را منصور دوانیقی به امام حسن (ع) نسبت می‌دهد که بررسی تاریخی زمان ایشان، این نکته را مشهود می‌سازد که وی با بنی الحسن دشمنی شدیدی داشت و یکی از مهم‌ترین رقبای وی در خلافت بن الحسن بودند؛ بنابراین با رویکرد نظامی و تخریب شخصیتی سعی می‌نمود تا این گروه را از سر راه خود بردارد؛ بنابراین با انتساب مطلق بودن به امام حسن (ع) و با رویکرد عصمت‌زدایی از وی سعی کرد تا نگاه مردم را نسبت به بنی الحسن بدبین سازد؛

۵- مورخان در گزارش‌های تاریخی خود همسران متعددی را به امام حسن (ع) نسبت داده‌اند. در صورتی که اگر تعداد همسران امام حسن (ع) صحیح بود، نقل مشترکی در این باره وجود داشت و اختلاف به بیش از ۷۰ تا ۳۰۰ نمی‌رسید. علاوه بر این، تعدد ازدواج‌های امام حسن (ع) حاکی از این است که امام (ع) همسران محدودی داشتند که اگر همسران متعددی داشتند بالطبع باید فرزندان زیادی از آن‌ها متولد می‌شد؛ اما تعداد فرزندان امام حسن (ع)، تعداد کم همسران ایشان را دلالت می‌کند؛ بنابراین، روایات مزبور به خاطر تنافی با مقوله عصمت و همخوان نبودن با معیارهای نقد المتنی، معتبر تلقی نمی‌شود.

## ۷. منابع

- قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، قم: مکتبة آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ هـ.
۲. ابن ابی شیبہ، ابوبکر، مصنف ابن ابی شیبہ، الرياض: مکتبة الرشد، ۱۴۰۹ هـ.
۳. ابن اثیر، أبو الحسن، الكامل فی التاريخ، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۷ هـ.
۴. ابن شهر آشوب، رشید الدین ابی عبدالله محمد بن علی مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، نجف: المکتبة و المطبعة الحیدریة، ۱۹۵۶ م.
۵. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۵ م.
۶. ابن کثیر دمشقی، البدایة و النهایة، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ هـ.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارلسان العرب، ۱۹۷۰ م.
۸. أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل، المسند، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۱ م.
۹. ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، تهران: انتشارات وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ هـ.
۱۰. الاعذاری، محمد ناصر، الدر بنری، حسن محمد، ظلمات الامام الحسن علیه السلام (مزواج مطلق) - دراسة تحليلية، مجلة كلية التربية الاسلامية للعلوم التربوية و الانسانية، جامعة بابل، العدد ۴۱، ۲۰۱۸ م.
۱۱. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ هـ.
۱۲. ترمذی، محمد بن عیسی بن سؤرة بن موسی بن الضحاک، سنن الترمذی، الناشر: شركة مکتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۵ هـ - ۱۹۷۵ م.
۱۳. حسنی الخربوطی، علی، العراق فی ظل الحكم الاموی، قاهرة: دارالمعارف، ۱۹۵۹ م.
۱۴. حموی جویی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطين، بیروت: مؤسسة المحمودی، ۱۳۹۸ هـ.
۱۵. خلف سرهید، عدنان، الامام الحسن و الحسینون فی آراء المستشرقین، المؤتمر العلمی الدولي السنوی السادس، العتبة العباسية المقدسه قسم الشؤون الفكرية و الثقافية.
۱۶. رسولی محلاتی، سید هاشم، زندگانی امام حسن مجتبی، قم: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۹۲ ش.
۱۷. رشاد، علی اکبر، موسوعة الامام علی (ع)، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۰ ش.
۱۸. سبط ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، تذکرة الخواص، قم: المجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام مرکز الطباعة و النشر، ۱۴۲۶ ق.

۱۹. شریف مرتضی، تنزیه الانبیاء، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۹ ق.
۲۰. شوشتری، قاضی نورالله، احقاق الحق، قم: مكتبة آية الله المرعشي العامة، ۱۴۰۴ هـ.
۲۱. صدوق، محمد بن بابويه، الامالی، بیروت: الاعلمی، ۱۴۰۰ هـ.
۲۲. صفار، احمد، منهجية المستشرقين في احياء المرويات التي نسجها الامويون و العباسيون و اعادتها انتاجها: تشويه صورة الامام الحسن عليه السلام مثالا، المؤتمر العلمي الدولي السنوي السادس، العتبة العباسية المقدسة قسم الشؤون الفكرية و الثقافية.
۲۳. صفار، رحاب نذير، يونس محمود، ميسون، شبهات المستشرقين للامام الحسن عليه السلام و الرد عليها، المؤتمر العلمي الدولي السنوي السادس، العتبة العباسية المقدسة قسم الشؤون الفكرية و الثقافية.
۲۴. طباطبائي، محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، قم: منشورات جامعة المدرسين، الطبعة الخامسة، ۱۴۱۷ هـ.
۲۵. طبرسي، إعلام الوري بأعلام الهدى، تهران: انتشارات اسلامية، ۱۳۹۰ هـ.
۲۶. طبري، محمد بن جرير، تاريخ الطبري، بيروت: روائع التراث العربي، ۱۳۸۷ هـ.
۲۷. طوسي، محمد بن حسن، التبيان في تفسير القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربي.
۲۸. فيروز آبادي، السيد مرتضی، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، تهران: انتشارات اسلامية، ۱۳۹۲ هـ.
۲۹. قرشي، باقر شريف، حياة الامام الحسن بن علي عليه السلام، بيروت: دارالبلاغ، ۱۴۱۳ هـ.
۳۰. كريم، محمد الكعبي، صورة اصحاب الكساء بين تجني النص و اشباحة الخطاب الاستشراقي هنري لامنس انموذجا، دارالكفيل ۲۰۱۵ م.
۳۱. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران: انتشارات الاسلاميه، ۱۳۶۲ ش.
۳۲. مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، تهران: انتشارات دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۲ ش.
۳۳. محدث اربلي، كشف الغمة في معرفة الأئمة، تبريز: انتشارات بنی هاشمی، ۱۳۸۱ هـ.
۳۴. مرادی نسب، حسين، تطور شناسی حديث مطلق امام حسن مجتبی در منابع شيعه، مجله شيعه شناسی، سال پانزدهم، شماره ۵۹، ۱۳۷۶ ش.
۳۵. مرادی نسب، حسين، آسيب شناسی تشكيل خانواده حديثی در مطالعات تاريخی با تأکید بر مطلق بودن امام حسن، مجله تاريخ اسلام، شماره ۸۷، ۱۴۰۰ ش.
۳۶. مرتضوی، سيد محمد، نقد و بررسی روايات مربوط به مطلق بودن امام حسن، مجله الهيئات و معارف اسلامي، شماره ۷۶، ۱۳۸۶ ش.
۳۷. مظفر، محمدرضا، العقائد الامامية، قم: انتشارات انصاريان، ۱۳۸۰.
۳۸. مفيد، محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم أبي عبد الله العكبري، النكت الاعتقادية و رسائل اخرى، تحقيق: رضا مختاری، بيروت: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۴ ق.
۳۹. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، قم: الفيه شيخ مفيد، ۱۴۱۳ هـ.
۴۰. مقدسي، مطهر بن طاهر، البدء و التاريخ، مكتبة الثقافة الدينية، بور سعيد.

٤١. موفق، مجید لیلو، ملامح الصورة الشخصية للامام الحسن المجتبی بین الواقع و افتراءات المستشرقین، المؤتمر العلمی الدولي السنوی السادس، العتبة العباسیة المقدسه قسم الشؤون الفکرية و الثقافية.
٤٢. النيسابوری، أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالکتب العلمیة، الطبعة: الأولى، ١٤١١ - ١٩٩٠.
٤٣. النيسابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری، المسند الصحیح المٌختَصَر بِتَقْلِ العَدْلِ عَنِ العَدْلِ إِلَى رَسولِ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.
٤٤. هاشم الصراف، علی زهير، دراسات المستشرقین عن الامام الحسن السبط، دونالدسن نموذجاً، مجلة دراسات استشرافية، العدد ٨، السنة الثالثة، ١٤٣٧هـ.
٤٥. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، قم: منشورات الهادی، ١٤٠٥ هـ.